



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا فَتْحُ الْاَبْوَابِ ١٣٠٥





« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه پانزدهم — دور یازدهم — ۹ مرداد ۱۴۰۱



در محضر سورۂ فاطر:

از منظر قرآن، تمام افرادِ «**بشر**»،

در مواجهه با «حوادث و مشکلاتِ زندگی»،

یا «**عزیز و قاهر** و **تأثیرگذار**» بر آنهایند،

یا «**ذلیل و مقهور** و **تأثیرپذیر**» هستند.

« اولین راه » عزیز شدن؟

اولین راه عزتمند شدن، اینست که بدانیم:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً

إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ

... (فاطر/۱۰)

کلام طیب و عمل صالح ما را به «عزت الهی» می‌رساند.

و « کلام طیب »،

هر « سخنِ عاقلانه و منطقی و روشنگرانه »،

و برآمده از « قرآن و شریعت و تجربه »،

و خالی از « نیش و عیب و تحمیلی » است که:

عاملِ « هدایت و رشد و رویش » خود و دیگران باشد.

و عمل صالح، «عمل به سخنانِ طیب» است،

به نحوی که «فسادگریز و فسادستیز»،

و «مناسبِ زمان و مکان و مخاطب» باشد،

و ما را از «خیثین» جدا و به «طیین» برساند.

منظور از « یَصْعَدُ » و « یَرْفَعُ » چیست؟

همانطور که « **باد**، **أبر** » را بالا می‌برد،

و « **موتور** »، « **هواپیما** » را بالا می‌برد،

« **کلام طیب** » هم فقط با « **عَمَل صَالِح** »،

« **بالا** » می‌رود و عاملِ تقرُّب صاحبش می‌شود.

پرسش ۱:



« دَوَّ مین راه » عزیز شدن؟

دومین راه عزتمند شدن:

اولاً: «بردگی» برای «کفار» است:

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ ...

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ؟ ... (نساء/۱۳۹)

ثانیا: پناه بردن جاهلانۀ انسان به « **مَکَر** » :
و « زرنِگ بازی های زشتِ نفسانی » است:

... **وَالَّذِينَ**

يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ ... (فاطر/۱۰)

پرسی ۲:



« مَکَر » یعنی چہ؟

« **مکر** » یعنی: با « توهّم زرنگی »،

و « نقشه‌هایِ نفسانی و غافلگیرانه »،

برای دستیابی به « **منافع** » دنیویِ خود،

به دیگران « **ضرر** » رساندن.

پریشی ۳:



« عاملِ مَنگَار » شدن چیست؟

« مَكْر »، « مَحْصُول »:

« آموزش‌ها و کارهای رسانه‌ای »،

برای « خداستیزی » است:

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا

أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَاداً ... (سبأ/۳۳)

و «سلطه پذیران» به «سلطه گران» می گویند: شما بودید که: با نیرنگِ

شب^{۲۳} و روزتان ما را به «خداستیزی» و «کدخداسازی» می کشانیدید ...

پرسش ۴:



نمونه‌های « مَکَر » در قرآن؟

۱- « مکر » مثل:

« کسب وجهه برای خود »،

با « نشر تخلف » دیگران:

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ:

امْرَأَةُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٣٠)

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً

وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا

وَقَالَتْ أَخْرِجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ ... (يوسف/٣١)

و زنانی در شهر شایع کردند که: زن عزیز از غلامش کام خواسته و خاطرخواه او شده،

ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم. وقتی (زلیخا) از « مکر » آنها آگاه شد،

آنها را به محفلی دعوت کرد و به هر یک از آنها کاردی داد و (به یوسف) گفت بر آنها وارد شو،

پس وقتی او را دیدند چنان شگفت زده شدند که دست خود را بریدند

۲- « مکر » مثل:

« نقشه » برادران یوسف

برای « حذف » او:

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ

إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَ هُمْ يَمْكُرُونَ

(یوسف/۱۰۲)

این (ماجرا) از خبرهای غیب است که به تو وحی می کنیم و تو
وقتی آنها همدست شدند و نیرنگ می کردند نزدشان نبودی.

۳- « مَکَر » مثل:

« نَقْشَةُ خَائِنَانِه »،

برای « تَرُورِ حَضَرَتِ صَالِح »:

قَالُوا: تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ: **لَنَنبِتَنَّهُ** وَ **أَهْلَهُ**

ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ: مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۵۰)

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمْ

أَنَا دَمَرْنَا هُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (نمل / ۵۱)

گفتند: با هم به خدا !!! سوگند بخورید که حتما به (صالح) و اهلش شبیخون می‌زنیم،
و به خونخواه او می‌گوئیم: ما اصلاً در محل قتل آنها نبودیم و راست هم می‌گوییم،
پس پایان مکرشان را ببین که ما (هم) همه آنها و مردمشان را نابود کردیم.

۴- « مکر » مثل:

« تلاش دائمی مشرکین »،

برای « اسلام‌هراسی »

و « اسلام‌ستیزی »:

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا
لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ...

(أنفال / ۳۰)

و یاد کن وقتی که اهل کفر درباره تو نیرنگ می کنند، تا (آئین) تو را
«^{۳۳}محو کنند یا به چالش بکشانند یا از نگاه مردم بیرون کنند» ...

۵- مثل: «انواع ناشکری»،

و «استفاده خودخواهانه»،

از «گشایش‌های الهی»:

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ

إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا

قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (يونس/ ۲۱)

و وقتی به مردم زیان‌دیده رحمتی را می‌چشانیم، آنها در آیات ما نیرنگ می‌زنند،

بگو: ^{۳۵}نیرنگ خدا سریع‌تر است و سفیران ما آنچه نیرنگ می‌کنید را می‌نویسند.

پرسش ۵:



« مَکَر در آیات » یعنی چه؟

۱- « بنی اسرائیل »

بعد از نجات از « ظلمِ فرعون » چه کردند؟

۲- اکثر « بیماران »،

بعد از « سلامتی » چه می کنند؟

۶- « بعد از رهائی از اختناق طاغوت »،

برخی از « مردم ایران » چه کردند؟

۶- اکثر « نیازمندان »،

بعد از « ثروتمند » شدنشان چه می کنند؟

۵- آیا « **دعا** » و « **تضرع** » اکثر مردم،

بعد از بیماری و گرفتاری، « **بیشتر** » می‌شود؟

۶- « **اصحاب صفه** » در صدر اسلام،

بعد از « **ثروتمند** » شدنشان چه کردند؟

مجلس



۷- آیا « غرور » و « غفلت »،

بعد از « شکست » است یا « پیروزی »؟

۸- آیا « تشکر » و « قدر دانی »،

« فقراء » بیشتر است یا « أغنياء »؟

پرسش ۶:



«اولین ضرر مکر» چیست؟

« مَکَر » در ابتدا

خودِ افراد « زرنِگ » را

به « اِشْتِباه » می‌اندازد:

... بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

مَكْرَهُمْ ... (رعد/۳۳)

بلکہ ۴۶ نیرنگ آنها کہ کفرورزیدند خودِ آنها را فریب داد...

پرستی ۷:



«دومین زیانِ مکر» چیست؟

« مَكْر » قطعاً:

« دامن خود مگاران را می گیرد »

و خود آنها را « محروم » می کند:

... وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ

وَ مَا يَشْعُرُونَ (أنعام/۱۲۳)

و آنها فقط به خودشان « لطمه » می زنند،
هر چند که (این حقیقت را به این زودی) نمی فهمند.

«**تحریم** مردم غیور **ایران**»،

و «فتنه انگیزی های **ناتو**»،

آیا به «**نفع**» آمریکا و اروپا شد؟

آیة ۴۳:



وَ أَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ اَهْدٰى مِنْ اِخْدٰى اَلْاُمَمِ

فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ اِلَّا نِفُورًا (۴۲)

اِسْتِكْبَارًا فِى الْاَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ

وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ اِلَّا بِاَهْلِهٖ ... (فاطر/۴۳)

و با سوگندهای زیاد به خدا قسم می‌خورند که اگر « هشداردهنده‌ای » برایشان بیاید قطعاً بیش از همه اطاعت می‌کند

اما وقتی « هشداردهنده‌ای » برای آنها آمد جز بر نفرتشان نیفزود،

این کارشان فقط گردنکشی در زمین و « نیرنگی زشت » بود و نیرنگ زشت جز (دامن) صاحبش را نمی‌گیرد ...

آیا « جنگِ احزاب »،

به « نفعِ اسلام » تمام شد،

یا مشرکین و کفار و یهود و منافقین؟

پرستی ۸:



چه افرادی « مروجِ مکر » اند؟

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ

أَكَابِرَ مُجْرِمِينَ لِيَمْكُرُوا فِيهَا

.... (أنعام/١٢٣)

و این گونه در هر شهری،

« سردمداران متخلف⁵⁷ » را می‌گماریم تا در آن شهر به نیرنگ پردازند

پریشانی: ۹



« مُجْرِم » کیست؟

« مُجْرِم »، قبول ندارد که « جهان مالِ خداوند » است،

لذا « تسلیمِ عقل » و « وحی » نیست،

و « خودخواهی » و « خودپرستی » می‌کند،

لذا هر کارِ او « تخلف » و « جُرْم » و « جِرم » است،

و در نتیجه، او « هیچ شأنی » در آفرینش ندارد:

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ؟

(قلم/٣٥)

لِيُحَقِّقَ الْحَقُّ وَيُنْظِلَ الْبَاطِلَ

وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (أنفال/٨)

پس در قیامت، مردم به « دو دسته » تقسیم می‌شوند:

تمام « خوبان » در گروه « **متقین** » قرار می‌گیرند،

و تمام « **بدان** » (مشر، کاف، منا، فاء، مُف)، « **مُجرم** » اند:

يَوْمَ نَحْشُرُ **الْمُتَّقِينَ** إِلَى **الرَّحْمَنِ** وَفُذًّا (۱۵)

وَنَسُوقُ **الْمُجْرِمِينَ** إِلَى **جَهَنَّمَ** وَرُذًّا (مریم/۱۶)

تَنہا « هنر » مُجرمین ؟

تنها « هنر مجرمین »، « جنگ روانی علیه مؤمنین » است:

إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا

كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَظْهَرُونَ

(مطففین / ۲۹)

گنهکاران، اهل ایمان را دائماً و به هر شکلی « تحقیر » می کنند.

پس « **مُجْرِمین** » به خاطرِ « **مقهوریتِ** درونی »

در مقابلِ « **نفسانیت** » خود،

« **مقهورِ** دنیا و **مقهورِ** حوادثِ بیرون »،

و لذا از هر نوع « **عزّت** **پایداری** » محروم،

و دائماً در معرض فروپاشی و « **نابودی** » هستند.

پرسش ۱۰:



« سرانجام مَنّاران » چیست؟

بخش سوم آیه ۱۰:



... وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (فاطر/ ۱۰)

و آنها که با « مکر »، « کارهای بد » می کنند،

« مجازاتِ سختی » دارند

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ
فَفَخَّرَ عَلَيْهِمْ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ
وَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (نحل/۲۶)

قبل از آنها هم افرادی بودند که « مکر » کردند اما خدا از پایه بنیانشان را نابود کرد،
و از بالای سرشان سقف بر آنها فرو ریخت و از آنجا که نمی‌پنداشتند عذاب به سراغشان آمد.

پریشی ۱۱:



« سرانجام مکرِ مکاران » چیست؟

بخش آخر آیه ۱۰:



.... وَ مَكْرُ أُوتِكَ

هُوَ يُرِيدُ (فاطر/۱۰)

.... و تمام نیرنگ‌های آنها قطعاً « تباه » می‌شود.

« گردابِ هلاکت » برای کیست؟



أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا
وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ

(إبراهيم/ ٢٨)

آیا آنها را که (شکر) نعمتِ خدا را به « کفر » بدل کردند،

و قومشان را به « گردابِ هلاکت » کشاندند ندیدی؟

... وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ

حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (فرقان/ ۱۸)

... اما تو آنها و پدرانشان را برخوردار کردی تا یاد (تو) را از یاد بردند و مردمی بدبخت شدند.

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا

وَزَيْنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا

(فتح/ ۱۲)

بلکه پنداشتید که رسول و مؤمنان هرگز به خانمان خود بر نخواهند گشت
و با این (پندار)، دل خوش بودید و گمان بد کردید زیرا مردمی لایقِ هلاکتید.

«تجارتِ بی خسارت» برای کیست؟

آیة ۲۹:



۱- يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ،

۲- وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ،

۳- وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

سِرًّا
وَعَلَانِيَةً

يَرْجُونَ

تِجَارَةً

لَنْ تَبُورَ

(فاطر/۲۹)

آنها که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌کنند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم در نهان⁸¹ و آشکار، انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

پرسش ۱۲:



« **وظیفه مؤمنین** » در قبال « **مکر** »؟!

در مقابل « مَکَرِ مکاران »،

۱- باید « جهاد تبیین » داشت،

۲- باید « صبور » ماند،

۳- باید به « حمایت الهی » مطمئن بود:

۱- اَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... (۱۲۵) ... (۱۲۶)

۲- وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ

وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۱۲۷) (نمل/۷۰)

۳- إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (نحل/۱۲۸)

با حکمت و اندرز نیکو به راه خدایت دعوت کن و با آنها با روشی مناسب‌تر مباحثه کن
و صبر^{۸۵} کن و صبر تو جز به (توفیق) خدا نیست و بر آنها اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می‌کنند دل تنگ مدار.
در حقیقت خدا با آنان است که «تقوا» دارند و با آنانست که «حُسن‌آفرین» اند.



خدایا:

ما را چنان به « **عِزَّتِ** **مُؤْمَنَانِه** » برسان،

که از هر نوع « **زَرَنَگِی** » و « **مَکَرِی** » بپرهیزیم،

و با « **کَلَامِ طَیِّب** » و « **عَمَلِ صَالِح** »،

در « **ظَهْرِ أَخْرَینِ حِجَّتِ** » سهیم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

